

در این شماره میخوانیم

- * هشدار امام... معیاری اساسی برای انتخاب کارگزاران سرمقاله
- * این پائین شهرها و پابرهنه ها اولیاء ما هستند، ولی نعمت مایند (سخن امام) صفحه ۴
- * رویدادهای ایران و جهان صفحه ۶
- * تحریم تنباکو اولین گام رهائی از جنگال استعمار صفحه ۸
- * کلیات اساننامه جهادسازندگی به تصویب رسید صفحه ۱۲
- * دست خوانین بلوچ باردیگر به خون برادران جهاد آغشته شد صفحه ۱۴
- * چگونگی اشغال افغانستان توسط ابرقدرت شرق صفحه ۱۶
- * سودان پایگاهی برای آمریکا صفحه ۲۰
- * نمایندسگاه واقعی جهادسازندگی، جبهه ها و روستاهای کشور میباشد صفحه ۲۴
- * تلاش، ایثار و حماسه درجبهه های غرب صفحه ۲۶
- * ارزش مبادله ای چیست؟ (مالکیت در اسلام از دیدگاه ایت الله شهید دکتر بهشتی) صفحه ۳۰
- * تحولی که انقلاب درهزافرید (۲) (مصاحبه باخانم سیمیندخت وحیدی شاعره) صفحه ۳۸
- * بیماری طاعون گاوی صفحه ۴۰
- * فلسفه مالیات از دیدگاه امام علی (ع) صفحه ۴۴
- * قیامت درقرآن (از استاد شهید مطهری) صفحه ۴۶
- * اخلاق حسنه و اخلاق سینه صفحه ۴۸
- * نگرشی کوتاه بر: تشکیل واحد معنن جهاد و فعالیت آن در استان اصفهان صفحه ۵۲
- * علفهای هرز صفحه ۵۴
- * اخبار جهادسازندگی از سراسر کشور صفحه ۶۴

جهاد: ارگان جهادسازندگی
سال دوم شماره ۲۸ - چهارشنبه پنجم اسفند ماه - ۱۳۶۰
زیر نظر هیات تحریریه
تک شماره ۳۵ ریال
آدرس: تقاطع خیابان انقلاب دانشگاه، نش خیابان
دانشگاه ساختمان جهادسازندگی قدس طبقه سوم، دفتر
مجله
مکاتبات: میدان انقلاب... دفتر مرکزی جهادسازندگی.
صندوق پستی ۱۳/۳۳۱
تلفن ۳ - ۶۶۷۶۸۱ (۲۳۹ داخلی) ۶۴۹۲۹۳ (مستقیم)
جهاددوهفته یکبار منتشر میشود.
چاپ از ایران چاپ

هشدار امام

معیاری اساسی برای انتخاب مسئولین و کارگزاران

رشد و ظهور پیدا نکنند و جمهوری اسلامی بتواند با تکیه بر توده های محروم و مستضعف حرکت خویش را بسوی رهائی تمامی محرومین و مظلومین جهان ادامه دهد.

قبل از ورود به بحث تذکراتین نکته بسیار ضروری است که امام اینگونه مباحث و سخنان را همواره در مراحل بخصوصی و خصوصاً بهنگام مواجهه با مسئولین و مقامات بلند پایه مملکتی مطرح می کند.

و این حکایت از اهمیتی است که امام برای این دسته از مسائل قائل می باشند که در این رابطه، دریایان همین مطلب بحث خواهیم کرد. آنچه که امام بعنوان محور بحث خویش در صحبت با نمایندگان مجلس شورای اسلامی انتخاب نمودند مسئله تبعات شوم و نامیمون حاکمیت طبقات و اقتشار مرفه و سرمایه دار بر جامعه است. و در آن موارد زیر استنباط می شود:

- اساس ادامه پیروزی انقلاب در حاکمیت طبقات متوسط و مادون متوسط است.

- اگر حکومت بدست طبقات متوسط و مادون متوسط باشد، امکان برهم زدن اوضاع توسط قدرتمندان وجود ندارد.

- سلطه ابرقدرتها از طریق طبقات سرمایه دار و مرفه اعمال می شده است.

- خارجی ها محمدرضا شاه را بر سرکار گذاشتند با افرادی که همه از طبقات بسیار مرفه و خوشگذران بودند.

- هرگز درجبهه ها و در دفاع از کشور، طبقات سرمایه دار بزرگ یافت نمیشود.

- اگر بخواهیم انقلاب پیروز شود، باید از گرایش و تمایل و غلطیدن دولتمردان به سوی طبقات مرفه جلوگیری کنیم.

- این مسائل که در رابطه با طبقات مرفه

بسم الله الرحمن الرحيم
و اذا اردنا ان نهلك قرية امرنا مترفها ففسقوا فيها فحق عليها القول فدمرناها تدميرا

(و چون اراده کنیم که قریه ای و جامعه ای به هلاک و سقوط رود. چنان خواهیم کرد که مترفین - پیشوایان و متمنعان - دست به اعمال فساد و فسق بزنند. پس حجت بر آنها تمام شده و آن دیار هلاک خواهد شد.)

* آنروزی که - ملت - دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شده، انحراف از حیث قدرت طلبی و از حیث مال طلبی، درو زیرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا شد، امروز بدانند علامت اینکه شکست بخوریم خودنمانی کرده، از آنوقت باید جلوش را بگیرند.

«امام خمینی»
اگر چه یکبار در همین ستون در مقاله «تروریسم اقتصادی» درباره اثرات ویرانگر و شکننده ناشی از حاکمیت مترفین و سرمایه داران عیاش و خوشگذران سخن گفتیم، اما سخنان بسیار مهم و تاریخی امام در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، چندتن از وزراء و جمعی از پرسنل ارتش ما را ناگزیر کرد تا یکبار دیگر در این باره صحبت کنیم.

همینجا جای گلایه از مطبوعات و دیگر رسانه های گروهی است که چرا درباره پیامی به این مهمی کمتر سخن گفتند و پیرامون آن کمتر نوشتند.

بهر حال مادر اینجا از نظر ادای وظیفه شرعی و «تذکر» و «ذکر»، نه در مقام تفسیر و توضیح سخنان امام، مطالبی را میاوریم. بدان امید که مسئولین جمهوری اسلامی به پیروی از رهنمودهای امام سیستم اقتصادی جامعه را به گونه ای طرح و برنامه ریزی کنند که انشاء هرگز طبقات انگل و سرمایه دار و مترف مجال

سرمقاله



معیاری اساسی برای انتخاب

مسئولین و کار گزاران

وسرمایه دار گفته شد، یک مسئله تاریخی است.
- این مسائل ناشی از نامتناهی بودن آمال انسانی است و همه ریشه در نفس انسانی دارد.
- اعلام شکست جمهوری اسلامی روزی است که میل به قدرت طلبی و مال طلبی در دولتمردان ظاهر شود.
- وووو...

* امام ظهور و بروز قدرت طلبی و مال طلبی را در میان دولتمردان و

حاکمیت جمهوری اسلامی، اعلام شکست جمهوری و حاکمیت طبقات متوسط و مادیون متوسط را اساس ادامه پیروزی انقلاب می دانند.

در حقیقت همانطور که خود امام هم اشاره فرمودند آنچه که در رابطه با اثرات سوء ناشی از حاکمیت این طبقات برجامعه عارض می شود یک مسئله مستمر است که به گفته قرآن یک سنت تاریخی و ناموس طبیعی نیز هست: «واذردنا ان نهلسک قرية امرنا مترفها ففسقوا فيها...»

مادی، هرچه می خواهد میکند و کسی هم جلوش را نمی گیرد.

و رسالت انبیاء، اتخاذ خط مشی متضاد با حرکت رسولان و گذشته پرستی و پرستش آئین و مسلک آباء و اجداد، حفظ وضع موجود و پیروی از فرهنگ منحن و متعفن قدرتمندان و پولداران، ماهیت کثیف و فسادانگیز مترفین (فسق) که اساسی ترین عامل هلاک و سقوط آن نظام هاست، اثبات مال و مسکن و زندگی کردن در مزبله رفاه و تنعم (ترفتم) و امثال این ویژگیهای منفرسخن می گوید. و بشدت از این خضاعت نفرت دارد. و آنها را عامل هلاک و سقوط و تلاشی نظامها می داند. در فرهنگ قرآن مترفین

قرآن از طبقات مرفه خوشگنران و سرمایه دار یا واژه مترف (به فتح راء) نام می برد. برای شکافتن بهتر مسئله آیات قرآنی را در این زمینه مرور می کنیم:
- و ما ارسنا فی قرية من نذیر الاقال مترفوها انا بما ارسنم به کافرون (۲)

همینطور (اترفه المال = ابطره، افسده، ثروت، او را به تباهی کشاند یا:

(اترف الرجل = اصرعلى البغى). اصرار و پافشاری و مداومت بر ظلم و تجاوز.

بنابراین چنانکه دیده می شود به سبب وجود مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل می گیرد که هم متعمر است و مرفه و تنبل و ترسو. چنانکه با دیدن اولین نشانه های عذاب می گریزد و هم جبار است و مسلط، چنانکه هرچه می خواهد می کند و منع هم نمیشود. و هم فاسق است و فاسد، چنانکه برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمنع حیوانی و شکمبارگیها و لجن خواریهایش را حفظ می کند، جامعه را فساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار مادیات فاسد شده بو می گیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهر کاری می زند. اعمال حاکمیت می کند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

* سیستم اقتصادی جامعه اسلامی

باید به گونه ای باشد که هرگز طبقات انگل و سرمایه دار و مترف مجال رشد و ظهور پیدا نکنند.

(هیچ پیامبری را به هیچ جامعه ای نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها گفتند هرچه را که بدان رسالت یافته اید انکار می کنیم. بدان کافریم - و کذلک ما ارسنا من قیلک فی قرية من نذیر الاقال مترفوها و جدنا ابا ناسا علی امة و انا علی آثارهم مقتدون. قال اولوحتکم باهدی مما وجدتم علیه ابا ناسم قالوا انا بما ارسنم به کافرون (هیچ پیامبری را به هیچ جامعه ای نفرستادیم که انذار کند مگر اینکه مترفین گفتند ما پدرانمان را بر هر راهی روان دیده ایم، بهمان راه خواهیم رفت. پیامبر گفت: هر چند پیام من و زام من از طریق پدران شما هدایت کننده تر باشد؟ گفتند: ما به رسالتهای تو کافریم).

مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل می گیرد که هم متعمر است و مرفه و تنبل و ترسو. چنانکه با دیدن اولین نشانه های عذاب می گریزد و هم جبار است و مسلط، چنانکه هرچه می خواهد می کند و منع هم نمیشود. و هم فاسق است و فاسد، چنانکه برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمنع حیوانی و شکمبارگیها و لجن خواریهایش را حفظ می کند، جامعه را فساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار مادیات فاسد شده بو می گیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهر کاری می زند. اعمال حاکمیت می کند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

بنابراین چنانکه دیده می شود به سبب وجود مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل می گیرد که هم متعمر است و مرفه و تنبل و ترسو. چنانکه با دیدن اولین نشانه های عذاب می گریزد و هم جبار است و مسلط، چنانکه هرچه می خواهد می کند و منع هم نمیشود. و هم فاسق است و فاسد، چنانکه برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمنع حیوانی و شکمبارگیها و لجن خواریهایش را حفظ می کند، جامعه را فساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار مادیات فاسد شده بو می گیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهر کاری می زند. اعمال حاکمیت می کند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

بنابراین چنانکه دیده می شود به سبب وجود مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل می گیرد که هم متعمر است و مرفه و تنبل و ترسو. چنانکه با دیدن اولین نشانه های عذاب می گریزد و هم جبار است و مسلط، چنانکه هرچه می خواهد می کند و منع هم نمیشود. و هم فاسق است و فاسد، چنانکه برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمنع حیوانی و شکمبارگیها و لجن خواریهایش را حفظ می کند، جامعه را فساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار مادیات فاسد شده بو می گیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهر کاری می زند. اعمال حاکمیت می کند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

بنابراین چنانکه دیده می شود به سبب وجود مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل می گیرد که هم متعمر است و مرفه و تنبل و ترسو. چنانکه با دیدن اولین نشانه های عذاب می گریزد و هم جبار است و مسلط، چنانکه هرچه می خواهد می کند و منع هم نمیشود. و هم فاسق است و فاسد، چنانکه برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمنع حیوانی و شکمبارگیها و لجن خواریهایش را حفظ می کند، جامعه را فساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار مادیات فاسد شده بو می گیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهر کاری می زند. اعمال حاکمیت می کند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

بنابراین چنانکه دیده می شود به سبب وجود مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل می گیرد که هم متعمر است و مرفه و تنبل و ترسو. چنانکه با دیدن اولین نشانه های عذاب می گریزد و هم جبار است و مسلط، چنانکه هرچه می خواهد می کند و منع هم نمیشود. و هم فاسق است و فاسد، چنانکه برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمنع حیوانی و شکمبارگیها و لجن خواریهایش را حفظ می کند، جامعه را فساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار مادیات فاسد شده بو می گیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهر کاری می زند. اعمال حاکمیت می کند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

بنابراین چنانکه دیده می شود به سبب وجود مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل می گیرد که هم متعمر است و مرفه و تنبل و ترسو. چنانکه با دیدن اولین نشانه های عذاب می گریزد و هم جبار است و مسلط، چنانکه هرچه می خواهد می کند و منع هم نمیشود. و هم فاسق است و فاسد، چنانکه برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمنع حیوانی و شکمبارگیها و لجن خواریهایش را حفظ می کند، جامعه را فساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار مادیات فاسد شده بو می گیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهر کاری می زند. اعمال حاکمیت می کند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

بنابراین چنانکه دیده می شود به سبب وجود مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل می گیرد که هم متعمر است و مرفه و تنبل و ترسو. چنانکه با دیدن اولین نشانه های عذاب می گریزد و هم جبار است و مسلط، چنانکه هرچه می خواهد می کند و منع هم نمیشود. و هم فاسق است و فاسد، چنانکه برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمنع حیوانی و شکمبارگیها و لجن خواریهایش را حفظ می کند، جامعه را فساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار مادیات فاسد شده بو می گیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهر کاری می زند. اعمال حاکمیت می کند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

بنابراین چنانکه دیده می شود به سبب وجود مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل می گیرد که هم متعمر است و مرفه و تنبل و ترسو. چنانکه با دیدن اولین نشانه های عذاب می گریزد و هم جبار است و مسلط، چنانکه هرچه می خواهد می کند و منع هم نمیشود. و هم فاسق است و فاسد، چنانکه برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمنع حیوانی و شکمبارگیها و لجن خواریهایش را حفظ می کند، جامعه را فساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار مادیات فاسد شده بو می گیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهر کاری می زند. اعمال حاکمیت می کند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

بنابراین چنانکه دیده می شود به سبب وجود مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل می گیرد که هم متعمر است و مرفه و تنبل و ترسو. چنانکه با دیدن اولین نشانه های عذاب می گریزد و هم جبار است و مسلط، چنانکه هرچه می خواهد می کند و منع هم نمیشود. و هم فاسق است و فاسد، چنانکه برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمنع حیوانی و شکمبارگیها و لجن خواریهایش را حفظ می کند، جامعه را فساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار مادیات فاسد شده بو می گیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهر کاری می زند. اعمال حاکمیت می کند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

بنابراین چنانکه دیده می شود به سبب وجود مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل می گیرد که هم متعمر است و مرفه و تنبل و ترسو. چنانکه با دیدن اولین نشانه های عذاب می گریزد و هم جبار است و مسلط، چنانکه هرچه می خواهد می کند و منع هم نمیشود. و هم فاسق است و فاسد، چنانکه برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمنع حیوانی و شکمبارگیها و لجن خواریهایش را حفظ می کند، جامعه را فساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار مادیات فاسد شده بو می گیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهر کاری می زند. اعمال حاکمیت می کند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

بنابراین چنانکه دیده می شود به سبب وجود مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل می گیرد که هم متعمر است و مرفه و تنبل و ترسو. چنانکه با دیدن اولین نشانه های عذاب می گریزد و هم جبار است و مسلط، چنانکه هرچه می خواهد می کند و منع هم نمیشود. و هم فاسق است و فاسد، چنانکه برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمنع حیوانی و شکمبارگیها و لجن خواریهایش را حفظ می کند، جامعه را فساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار مادیات فاسد شده بو می گیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهر کاری می زند. اعمال حاکمیت می کند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

بنابراین چنانکه دیده می شود به سبب وجود مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل می گیرد که هم متعمر است و مرفه و تنبل و ترسو. چنانکه با دیدن اولین نشانه های عذاب می گریزد و هم جبار است و مسلط، چنانکه هرچه می خواهد می کند و منع هم نمیشود. و هم فاسق است و فاسد، چنانکه برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمنع حیوانی و شکمبارگیها و لجن خواریهایش را حفظ می کند، جامعه را فساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار مادیات فاسد شده بو می گیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهر کاری می زند. اعمال حاکمیت می کند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

اصولا مورد نفرت و طرد و نفی قرار می گیرند و ویژگیهایی که قرآن برای آنها می شناسد، انگار از ذات و ماهیت (مترف بودن) آنها سرچشمه میگیرد.

آنچه ذیل این اصطلاح در کتب لغت آمده، نشان میدهد که برخی ویژگیها به ماهیت «اتراف» مربوط می شود و با اصطلاح جزء مقتضای ذات است. از جمله: (المترف = الجبار، المتعمر، الذی یصنع مایشاء ولا یمنع). کسی که بر اساس قدرت

... لا ترکضوا و ارجعوا الی ما اترفتم فیہ و مساکنکم لعلکم تسئلون (۴)
(چون عذاب آید به مترفین گفته می شود کجا فرار می کنید؟ برگردید بسوی رفاهی که فراهم آورده اید و ثروتها را که گردآورده اید. شاید باز خواست شوید)
آیات فوق به صراحت از مقاومت و ضدانقلابی مترفین و ستیز آنها با پیامبران الهی

اینه و آثار فحایع و جنایتی را که در حق بشریت مظلوم روا داشته اند به روشنی مشاهده کرده ایم. امروزه سرمایه داری جهانی به سرکردگی آمریکای جنایتکار، بعنوان سبب حاکمیت

*** در فرهنگ قرآن «مترفین»، اصولاً مورد نفرت و طرد و نفی قرار میگیرند و ویژگی‌هایی که قرآن برای آنها می‌شناسد انگار از ذات و ماهیت (مترف بودن) آنها سرچشمه میگیرد.**

مترفین و جنایات و خشتناک و ددمنشانه ای که توسط این غول جهانخوار در حق ملل تحت ستم صورت می‌گیرد، بعنوان بارزترین نمونه حاکمیت نظام ضد انسانی مبتنی بر «اتراف» است.

امپریالیزم جهانی و دیگر نول استعمارگر و ابر قدرت برای چپاول ملتها و غارت منابع حیاتی آنان و برای ایجاد سلطه جهانی خود بر ملل تحت ستم ناگزیر از ابزارها و وسائلی سود می‌جویند و بجزرت میتوان گفت که سرمایه داران و پولداران عیاش و خوشگذران و به تعبیر زیبایی حجت الاسلام رفسنجانی تروریستهای اقتصادی تنها و یا مهمترین ابزاری بوده اند که توسط امپریالیستها علیه خلقهای محروم جهان بکار گرفته شده اند.

رضا شاه قلدر و پسرش محمد رضا شاد معدوم به‌مراه کلاشان دزد و سکه پرستی که بیش از ۵۰ سال بر ملت مظلوم ایران حکومت و جنایت کردند نیز از زمره کسانی بودند که بخاطر منافع آزمندانده خود و اربابانشان ایران را با تمام ذخایر مادی و معنوی اش به شمن بخش در اختیار جهانخواران گذاشتند. و با ایجاد نظام اقتصادی

استفاده‌شان را از مترفین و سرمایه داران شرح داده و بعنوان مثال محمدرضا و اعوان و انصارش را ذکر می‌کنند و می‌فرمایند: «دولتهای بزرگی

*** سرمایه داری جهانی به سرکردگی آمریکای جنایتکار، بعنوان سبب**

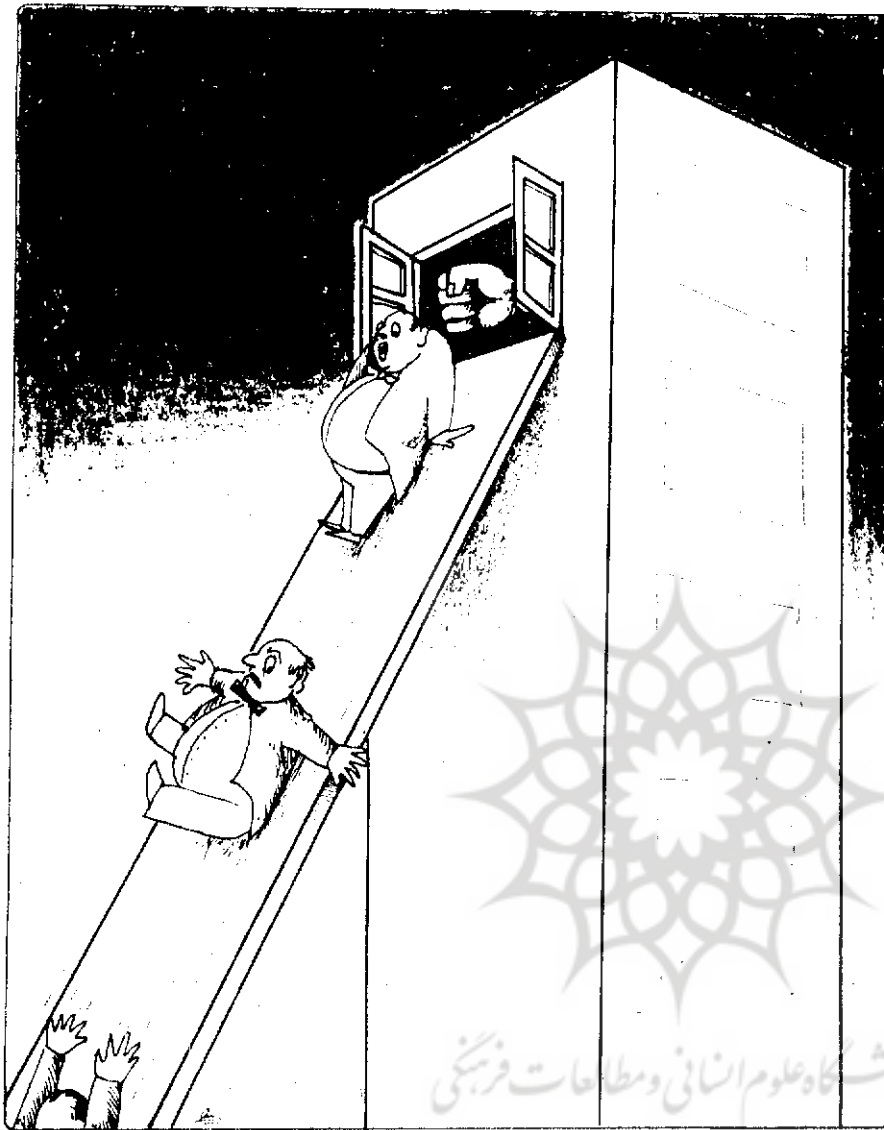
حاکمیت مترفین و جنایات و خشتناک و ددمنشانه‌ای که توسط این غول

جهانخوار در حق ملل تحت ستم صورت میگیرد، بعنوان بارزترین نمونه

حاکمیت نظام ضد انسانی مبتنی بر «اتراف» است.

ضد انسانی مبتنی بر استثمار و خشیانه انبوه توده‌های مستضعف بزرگترین جنایت و خیانت را در حق ملت مظلوم ما روا داشتند امام در سخنان نفی و پر مغزشان دقیقاً سیمای حرکت استعماری نول بزرگ و چگونگی

که هستند، ابر قدرتهایی که هستند، یک همچو آدم قدرتمندی را پیدا می‌کنند و این آدم قدرتمند را به او بال و پر می‌دهند و این را به مقام می‌رسانند تا ملت را استضعاف کند. و ذخایر ملت را بچاپد. شما ملاحظه وضع این ۵۰ سال، یک



قدری بیشتر را بکنید که انتخاب کردند خارجی‌ها و بعد هم این مطلب را خودشان گفتند که رضاخان را انتخاب کردند و به او قدرت دادند و قدرت انظور دادند که این ملت را به استضعاف کشانید. و حکومت جبار خودش را بر اینها قرار داد. و مردم را از همه چیز ساقط کرد و یکنفر بود و آنها یکنفر را دمس را می‌دیدند و کارهایشان را انجام میدادند و بعد از او هم محمدرضا را گذاشتند با آنهمه افرادی که اطراف او بودند و همه شان از آنها بودند که طبقه بسیار مرفه و خوشگذران و بالا بالاها به اصطلاح آنها».

بنابراین هشدارهای تاریخی در رابطه با تبعات شوم ناشی از حاکمیت مترفین و طبقات سرمایه‌دار و مرفه و عیاش و خوشگذران از یکطرف و آموزه‌های اسلام اصیل از طرف دیگر بما حکم می‌کند تا برای جلوگیری از سقوط

بقیه در صفحه ۵۸

معیاری اساسی برای.....

جامعه اسلامی پدمان نظام ارتجاعی گذشته و هم برای تداوم شکوهمند و رو به کمال آن ناگزیر از درهم شکستن تناسبات و روابطی هستیم که در پرتو آنها طبقات «مترف» و «استضعافگر» قابلیت رشد و نمو پیدا می کنند.

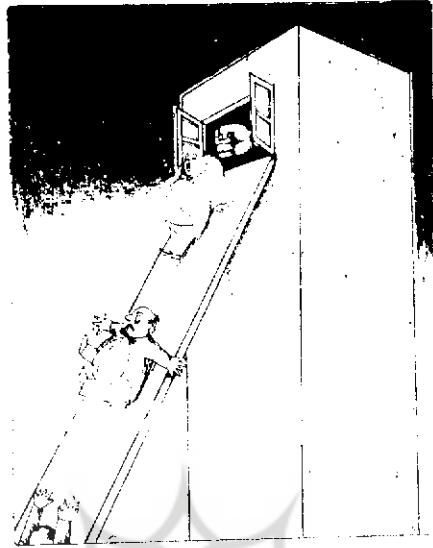
نظام گذشته، نظامی بود تماماً باطل که تمام شبکه ها و سیستم های آن در جهت حاکمیت طاغوت و مبارزه با اسلام توده های مستضعف شکل گرفته بود. و این نظام در بعد اقتصادی خود ناهنجارترین و ضد انسانی ترین روابط را بوجود آورده بود. نتیجه این بود که در حاکمیت سرمایه داری، فقر و گرسنگی و کارگر رنجور نتیجه استعمار و استثمار و محرومیت کارگران بچشم دیده می خورد. بنابراین، این سیستم استوار شاهنشاهی و برای دفع کامل رژیم طاغوت، در مزبله تاریخ، ناگزیر از دفن و بودنی تمام ارزشها و روابطی هستیم که بر پایه چنان نظامی شکل گرفته بود و این ممکن نمیگردد مگر آنکه دست به تدوین و تنظیم یک «سنه اقتصادی» اسلام جدید مبتنی بر اسلام عدالت گسترده عالمی (ع) و بر پایه اصالت دادن به مالکیت مشروع انسان بر حاصل کار خویش و جلوگیری از استثمار حاصل کار دیگری بزنیم. که در آن صورت میتوان گفت توانسته ایم تا مدتی جلو شکل گیری نظام مبتنی بر اتراف را گرفته و جامعه را از وادی سقوط و هلاکت براهانیم.

بر اساس آنچه که رفت، دستور العمل و رهنمود امام به مسئولین مملکت و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، ۲ برنامه مهم حکومتی را برای آنها ترسیم می کند.

۱- دوری از تمایل به قدرت طلبی و مال طلبی و گرایش به طبقات مرفه و ممانعت از به حاکمیت رسیدن این گونه اقشار و طبقات.

۲- بوجود آوردن انچنان نظام و ساختار اقتصادی که بطور کلی شکل گیری و ظهور مترفین را در عرصه جامعه امکان ناپذیر گرداند. همچنین بنا بر فرموده امام توده های عظیم و میلیونی ملت موظفند تا با غشباری کامل جریان امور مملکت را زیر نظر داشته و چگونگی رفتار و حرکات و سکنات مسئولین را مواظب باشند. و بمحض غلظیدن و گرایش فردی به سوی طبقات مرفه و سرمایه دار جلوی آنها را بگیرند. باتوجه به مسائل بالا انتظار می رود که با پیروی و تبعیت مسئولین از فرامین امام و نیز در سایه کنترل و دقت نظر و هشیاری مردم، جامعه اسلامی ما که اکنون در عرصه هائی اسیر دست چپاولگران اقتصادی و طبقات مترف و

سرمایه دار است، از دست آنها خلاصی جسته و راه خود را بسوی نظامی مبتنی بر قسط ادامه دهد. در اینجا تذکر این نکته لازم و ضروری است که سخنان امام با نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و وزراء و دیگر مسئولین و خطاب به آنها، بهیچوجه بمعنای این که وضعیت فعلی چنین است و مسئولین و مقامات بلند پایه و سطح اول مملکتی دارای چنان وضعیتی هستند، نیست. که امام بصراحت این



خود را از حکومت بیشتر و با ارزشتر می داند. و همو که میفرماید این حکومت و این مال دنیا در نظر من از عطسه بز ناچیزتر است. و همو که در برخورد با عثمان بن حنیف - یکی از کارگزارانش - که به میهمانی ثروتمندان رفته بود نهیب می زند که چرا به مجلسی رفته ای که بیچارگان را رانده و ثروتمندان را خوانده اند ووو.....

امام می گوید ما میخواهیم جمهوری اسلامی برگونه حکومت امیرالمومنین علی (ع) باشد. و این بارزترین و صریح ترین شیوه ای است که امام میتواند در ترسیم ویژگیهای جمهوری اسلامی برای مسئولین تشریح نماید. حکومتی که نه تنها به رعایا کوچکترین ستمی روا نمیداشت و حاکمش بر سطح پایین ترین و فقیرترین مردم، کسر زندگی میکرد، بلکه با شدت و قاطعیت عجیب اموال بناحق خورده محرومین و مظلومین را از حلقوم ظالمین باز پس می ستاند و می فرمود حتی اگر به کابین زناشان رفته باشد پس می گیرم. حکومتی که منشور حکومتی خود را در آغاز و بلافاصله پس از حاکمیت چنین اعلام میدارد: «والذی بعثه بالحق لببلین لبلیه و لتغریبن غریبه و لتساطن سوط القدر حتی یعود اسفلکم اعلامکم و اعلامکم اسفلکم» (ع)

✱ به سبب وجود مترفین در بخشی از جامعه قدرت و حاکمیتی شکل میگیرد

که برای حفظ وضع موجود و شرائطی که تمتع حیوانی و شکمبارگیها و لجن

خواریهایش را حفظ میکند، جامعه را بفساد می کشاند. و خودش نیز در لجنزار

مادیات فاسد شده، بو میگیرد و برای تحقق خواهشهای نفسانی اش دست بهرکاری

می زند، اعمال حاکمیت میکند و بر ظلم و بغی خویش همواره اصرار می ورزد.

(قسم بخدانی که محمد را برانگیخت، چنان آتش انقلاب و تحول، همگی را درهم ریزد و تهییج کند و همه افراد، انچنان بغربال افتند و ذره ذره و تکه تکه بیخته شوند و آنگونه بجوشند و به جنبش درآیندو برهم زده شوند، همانند کفگیری که موقع غلیان و جوشش همه آنچه را دردیگ است بهم می زند، که خاکستر نشینان و آنها که پائین تنه اجتماع، و طبقه پائین را تشکیل می دهند، ارقاب بقاء یابند و برون آیند و بالا روند و آنها که در صدر جای داشته اند و جزء «اعلی» ها بوده اند! سرنگون شوند. پست ترینان، بالاترین و بالاترینان پست ترین شوند.

در پایان توضیح یک نکته بسیار اساسی ضروری می نماید و آن اینکه درست است که

مسئله را نفی کرده اند. - گرچه بلحاظ خطا پذیری انسانی و قرار داشتن نفس انسانی در برابر تهاجم دائمی دو کشش متضاد و ناهمگون تقوی و فجور، بالقوه این خطر مطرح است. اما در اینجا منظور امام یک هشدار جدی و تاریخی است که توده های مسلمان و افراد در راس کار باید دانما مواظب باشند که حفظ انقلاب و تداوم آن تنها و تنها در گرو ارج نهادن به توده های مستضعف و حاکمیت دادن به آنها و جلوگیری از به حکومت رسیدن سرمایه داران است.

در ترسیم ویژگیهای چنین آینده تابناک و درخشانی امام، حضرت علی (ع) را بعنوان الگویی برای مسئولین جمهوری اسلامی مطرح می سازند، کسی که ارزش کفش وصله خورده

برای ایجاد گسترش قسط اسلامی در جامعه و بمنظور جلوگیری از ظلم و اجحاف اقتصادی باید از قوانین و مقررات و احکام قهریه‌ای که در رابطه با متجاوزین و متکاثترین اجازه مجازات داده است استفاده نمود و با تنظیم یک سلسله روابط و تناسبات سالم اقتصادی جلو هرگونه ظلم و استثمار را سد کرد.

اما واقعیت اینست که اسلام علاج واقعی را تنها در این مسئله نمیداند. و با آن از چشم‌اندازی وسیعتر برخوردار می‌کند. و آن اینکه در یک تحلیل نهانی، قدرت خواهی، جاه‌طلبی، مقام پرستی، پول پرستی، شهوترانی، و... تماماً گونه‌های متفاوت و مختلف تجلیات نفس بشری است و باصلاح مبتانی درونی دارد. و برای غلبه و مهار آثار اجتماعی ناشی از چنین گرایشات فردی که به استبداد، استثمار و اشاعه فحشاء و فساد در جامعه می‌انجامد، باید بطور زیربنایی و بنیادی به تزکیه و تلطیف روح و نفس انسانی دست زد.

در حقیقت اگر به پیام امام، چه در سخن اخیرشان با نمایندگان مجلس و چه در سخنانی که درباره مسائلی اینچنین و یا نظیر آن صحبت کرده‌اند، دقت کنیم خواهیم دید که امام همواره ریشه و علاج واقعی را در تهذیب نفس بشری دانسته و به آن امر و نصیحت می‌کنند.

اسلام برآنست که با تربیتهای الهی و تمرین معنوی و تقوای درونی به انسان دیدی و نگاهی مافوق مادیات بدهد. به گونه‌ای که در پرتو ایمان و روح پاک و فطرت سالم انسانی قبل از اینکه نیازی به جفاقت افتد، انسان خودکارهایی را که می‌باید، داوطلبانه و با کمال انتخاب انجام دهد. ما اگر سرمایه داری جهانی را در هم بشکنیم و خرد و نابود کنیم و اگر تمامی مراکز فحشاء و فساد را به آتش کشیده، نیست و نابود کنیم و اگر... تا هنگامیکه موفق نشده ایم نطفه مال پرستی و شهوترانی را در درون نفس انسانی بکسک دمیدن روح ایمان و ارمانخواهی از بین ببریم، قادر نخواهیم شد که نجات بشریت را از چنگال این دویله بزرگ تضمین کنیم. چرا که اگر دنیای عظیم سرمایه داری را با همه کارتلها و تراستهایش در زیر دستگاه اگراندسیمانی کوچک کنیم، انسانی را خواهیم دید که پول دوست و سکه پرست است و نیز اگر بزرگترین مراکز فحشاء و فساد را از نگاه همین دستگاه بنگریم، انسانی را خواهیم دید که در منجلاب تمایلات شهوانی غوطه ور است. و اینها همه تجلیات مادی نفس انسان است که باید از راه تهذیب و تزکیه نفسانی و پرورش روح به حل آن مبادرت نمود.

آری، «اصل ایمان» باید چنان آتشی در بنیان

یک نظام اسلامی و جامعه خدائی اندازد که انگیزه‌های شیطانی و علفهای هرز گناه و خودپرستی و دنیاپرستی چاره‌ای جز سوختن و خاکستر شدن نداشته باشد. اگر نه باز میگردند و دوباره رشد می‌کنند» (۷)

از ایترو مسئولین و دست اندرکاران مسائل فرهنگی جامعه رسالتی بس عظیم و بسترگ برگردن دارند. رسالتی که اگر به اجرای آن قیام نکنند، فی الواقع می‌توان گفت که هیچ تغییر و تحول اجتماعی و اقتصادی دیگری امکانپذیر

*** علی نه تنها در سطح پائین ترین و فقیرترین مردم کشور زندگی میکند بلکه با شدت و قاطعیت عجیب اموال بنا حق خورده محرومین و مظلومین را از حلقوم ظالمین باز پس می‌ستاند و می‌فرمود حتی اگر به کابین زنانشان رفته باشد باز پس میگیرم.**

نخواهد بود. و این درسی است که باز میتوان از کلام امام و پیامها و سخنان مکرر ایشان آموخت.

و ما معتقدیم که فطرت پاک و نهاد سالم توده‌های میلیونی براصالت این روش بعنوان بنیادی ترین شیوه‌ای که برای همیشه میتواند شرذالت و پستی را در صور گوناگونش از سر جامعه بشری برطرف کند، گواهی داده و میدهد.

اگر بیاد داشته باشیم، امام تا بحال سه دیدار عمومی و همگانی با نمایندگان مجلس شورای اسلامی داشته‌اند که در هر سه نوبت عرصه سخنان خود را به دامنه مسائل نفسانی و ضرورت تربیت اخلاقی و تهذیب و تلطیف روح و منعت و سرزنش دنیاگرانی و مقام خواهی و جاه پرستی کشیده‌اند. و اگر شرائط آن ایام را خوب از جلو نظر بگذرانیم، در خواهیم یافت که بدانها گام که امام از جایگاه یک انسان وارسته و متعالی و مظهر مردی که تا بحال جز پاکی نیندوخته و جز برای خدا قدمی برنداشته است با لحن یک عالم عارف بزرگ و معلم کبیر اخلاق و با کلامی دلنشین و روح پرور برای امت خود از تقوای نفسانی و طهارت روحی انسان و اینکه اساس تمام انحرافات در نفس طغیانگر انسانی نهفته است سخن گفته، جامعه بی‌بیکار همچون اسیر تشنه لبی که روزها و هفته‌ها در زیر سوزش و تابش شدید آفتاب به بند کشیده شده، ملتهب و عطشناک و سراپا ملتس، برخاسته و دوباره و چند باره جرعه‌ای از آقیانوس عظیم مواعظ و

معارف او را طلب نموده است.

آری بدانها گام که امام، امت خویش را همچون نی‌های بریده از نیستان از مزبله دان و گنداب عفن زندگی مادی با آهنگی دلنشین به زیبایی کلام یک مراد، به نیستان واقعیشان فراخوانده است، جامعه یکبار و با التهاب از رادیو و تلویزیون خواسته تا برای دویار و سه بار و چند بار دیگر، آن سخنان دل انگیز و روح نواز را پخش کند.

و اینهمه نشان میدهد که جامعه ما چقدر خود را اسیر و محتاج چنین سخنانی میدانند. مردمانی که نه تنها بورژوا و مرفه و سرمایه دار نیستند. اما بعلت وجود تربیتهای بازمانده از فرهنگ پیشین ای بسا از روحیات حب مال و مقام و... برخوردار هستند و می‌دانند که باید در پرتو کلام انسان ساز امام، خویششان خود را بیالایند و تزکیه و تلطیف نمایند.

و این نیز برعهده فرزندان عالم عرفان و معلمان بزرگ اخلاق است که پیامهای اینگونه امام را به محکم ترین وجه بر بیکر جامعه بکوبند و همچون مرحمی بر زخمها و دردهای بزرگ انسان امروز که به درد «کم کردن خویششان واقعی خویش» گرفتار است، قرار دهند.

و ایکاش درگیری‌های روزمره اجتماعی و سرعت تغییر و تحولات مسائل جامعه و جهان و نیز حجم عظیم مسائل و مشکلات انقلاب به امام این فرصت را میداد تا هفته‌ای یکبار امت خویش را در کلاس اخلاق و عرفان خویش پیالاید. ایکاش خداوند به امت ما این رحمت را عنایت میکرد تا شبهای جمعه هر هفته بتواند دردها، نیازها، ناله‌ها و استغانه‌های خویش را از دل سوزان و قلب فروزان این پیر بزرگ عالم عرفان بدرگاه خداوند ضجه و زاری کند و ایکاش و ایکاش و ایکاش...

امید آنکه امت اسلامی ما بتواند با پیروی از رهنمودهای امام چه در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و چه در ابعاد اخلاقی و عبادی و رفتاری، به سرچشمه‌های فلاح و رستگاری دسترسی پیدا کند.

«انشاء...»

پاورقیها

۱- الاسراء- ۱۷

۲- سباء- ۳۴

۳- زخرف- ۲۳

۴- انبیاء- ۱۲

۵- مراجعه شود به کتاب پرارزش اصول حاکم بر روابط اقتصادی اسلام، نوشته‌های جلال رفعتی (رفیع)

۶- نهج البلاغه- خطبه ۱۶

۷- اصول حاکم بر روابط اقتصادی اسلام، صفحه ۱۰۴